ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

خوانندگان ارجمند «مردم»! متن دفاع مردانه یك کارگر توده ای — صابر محمد زاده را در دادگاه درست تجدید نظر نظامی صفحه داخلی این شماره بخوانید.

شعارهای کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان شهر و ده ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، جشن جهانی کارگران، روز رژه نیرومند کارگران همه کشور ها را از صمیم قلب بهمه شما زحمتکشان ایران که در کارخانه ها، معادن، جاده ها، ساختمانها، بنگاهها، کارگاهها، کشتزار ها بیکار و کوشش فرساینده مشغولید شادباش میگوید و برای شما کامیابی در مبارزه برای یك زندگی بهتر و شایسته تر را آرزومنداست.

جشن ماه مه را برپا دارید. سنن جنبش کارگری و انقلابی ایران را عزیز شمرید.

دنباله در صفحه ۵

مردم ایران از

بهبود روابط ایران و شوروی پشتیبانی میکنند

مسافرت اخیر رفیق آلکسی کاسیگین نخست وزیر شوروی بایران در بازدید از مسافرت نخست وزیر ایران، حادثه مهمی در روابط حسن همجواری است که طی سالهای اخیر بین ایران و شوروی استقرار و گسترش یافته است و بیشك این روابط را وارد مرحله تازه ای میکند.

طی این سالها یك سلسله قراردادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی روابط ایران و شوروی را بر پایه اوینی استوار کرده است. بسط محسوس حجم بازرگانی، انعقاد قرار داد راه ترانزیتی شوروی، ساختن سد و ایستگاه برق ارس، ساختن تعداد کثیری سیلو در سراسر کشور، ایجاد لوله گاز در شمال کشور و خرید گازی که تا کنون بهسر میرفته، بسط بندر های خزر، اقدامات اکتشافی در مورد معادن ایران کمك وسیع به اجرای نقشه پنج ساله چهارم ایران، انعقاد قرارداد فرهنگی، ساختن کارخانه ماشین سازی در اراك و از همه مهمتر احداث کارخانه ذوب آهن دراصفهان بظرفیت ۶۰۰ هزار تن و غیره و غیره. چنین است فهرست ناتمامی از نتائج مشخص بهبود روابط ایران و شوروی طی سالهای اخیر. همهٔ این قرار دادها، حتی باعتراف سخنگویان ومطبوعات

دنباله در صفحه ۲

قرار بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره جلسه مشورتی بوداپست

بوروی کمیته مرکزی پس از مطالعه گزارش هیئت نمایندگی حزب توده ایران درباره جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری که‌از تاریخ ۲۶ فوریه تا ۵ مارس ۱۹۶۸ در شهربوداپست منعقد بود وبررسی اسناد مربوط به جلسه مزبور تصمیمات زیرین را اتخاذ مینماید:

۱- بوروی کمیته مرکزی فعالیت هیئت نمایندگی حزب توده‌ایران را در جلسه‌مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری بوداپست و همچنین اظهار نظر هائی را که ضمن این جلسه از جانب وی‌شده است مورد تأیید قرار میدهد.

دنباله درصفحه ۵

۱۵۰ سال از میلاد مارکس میگذرد

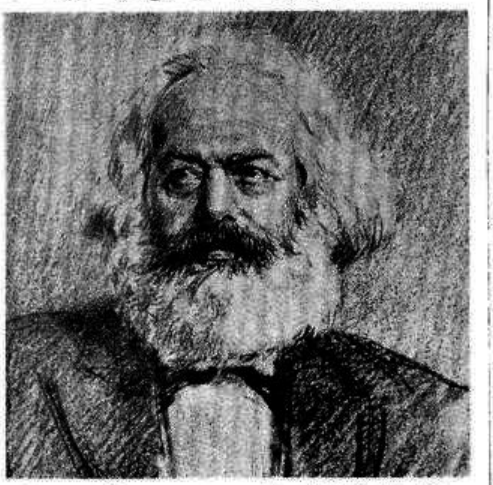

یك قرن و نیم از میلاد پیشوائی داهی پرولتاریای جهان کارل هنریش مارکس میگذرد. این مناسبت در میهن واقعی او جمهوری دموکراتیك آلمان و در سراسر جهان مواضعی برپا میکرده. عظمت مقام مارکس که پرولتاریا، خصوصا علمی و اجتماعی نظام استثمار و استعمار است هر آنست حتیکه امروز حتی دشمنان اجتماعی او معترفند که مارکس بیش از هر مفکر دیگری در تاریخ مهر و نشانه خویش را بر سیر حوادث جهانی معاصر گذاشته است. مارکس میگفت فلاسفه تاکنون باشکال مختلف جهان را توضیح داده اند ولی مسئله بر سر تغییر آنست. مارکس خود توانست به آموزش کبیر تغییر انقلابی، جهانی مرتبط شود (در باره مارکس و بویژه آن بخش از آموزش او که بر تاریخ و جامعه وطن ما مربوط است در شماره بهاری مجله «دنیا» مقاله جداگانه‌ای درج خواهد شد.)

صد سال از تولد ماکسیم گرکی میگذرد

آلکسی ماکسیمویچ گرکی (پشکوف) یکی از بزرگترین نویسندگان روس وجهان بنیاد گذار رمان آلیم سوسیالیستی، در ۲۸ مارس ۱۸۶۸ متولد شد و در ۲۸ مارس ۱۹۶۸ صد سال از تولد او گذشت. بمناسبت این تاریخ خجسته در اتحاد شوروی وطن پرافتخار گرکی و در سراسر جهان از

دنباله در صفحه ۵

افشاء اعمال ضد دموکراتیك دولت در برابر

کنفرانس جهانی حقوق بشر

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن نامهٔ سرگشاده‌ای خطاب به کنفرانس جهانی حقوق بشر (سازمان ملل متحد) که ازچهارم تا ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ (۲۴ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸) در تهران تشکیل یافت اقدامات ضد دموکراتیك دولت ایران را که ناقض اصول مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر است فاش ساخت.

سواد نامهٔ سرگشاده مزبور برای کلیهٔ هیئت‌های نمایندگی شرکت کننده در کنفرانس

دنباله در صفحه ۲

نخستین انسان فضا درگذشت

جهانیان با اندوه تمام از مرگ نخستین انسان فضا - سرهنگ یوری گاگارین اطلاع یافتند. روز ۲۷ مارس ۱۹۶۸ سرهنگ گاگارین و سرهنگ مهندس ولادیمیر سریوگین در یك سانحه هوائی درگذشتند. خاکسار هر دوی آنها که در راه علم و ترقی فنی بشریت رسیده اند طی مراسمی پر جلال، عظمت در دیوار کرملین جای داده شد.

یوری گاگارین هنگام مرگ ۳۴ سال داشت. در روبان جوانی و در اوج شهرت و محبوبیت جهانی بود. او پای انسان، آنهم انسان بزرگترین و نیرومند ترین کشور سوسیالیستی جهانی اتحاد جماهیر شوروی را به سلطانهای اسرار آمیز سپهر کشود و آوای مغرور و مطمئن او را از آن سامان در سراسر سیاره نیل قلم ما منعکس کرد و بهمین جهت، گاریسف کاسب فضاء نام گرفت. او یك کارگر، یك ریخته گر ساده بود که از راه هواپیمائی کشوری پای در آموزشگاه خلبانی نهاد و از آنجا بفوجی که میتوانست برسد رسید. او مردی محبوب و صمیمی، ولی دلیر بحزب و خلق خود بود و طی هفت سال اخیر که از پرواز گزیده‌اش میگذرد در همه جهان شناخته شده بود. ما درگذشت این قهرمان شهید راه علم و فن و نوسفلی سرهنگ مهندس سریوگین را بمردم شوروی که پروردهٔ او هستند تسلیت میگوئیم و اطمینان داریم که از میان این مردم گاگارین‌های اوینی برای احراز پیروزیهای درخشانتری بر خواهند خاست. کمیته مرکزی حزب توده ایران باین مناسبت به کمیته مرکزی ح. ك. اتحاد شوروی نامهٔ تسلیتی ارسال داشت.

دنباله از صفحه ۶

دانشجو کیست ؟

مشترك معنی هستند. این منافع مشترك‌همین منافع صنفی آنها بعنوان قشر دانشجو است.

ایدئولوژی دانشجو

وابستگی دانشجو به طبقات گوناگون بطور طبیعی موجب میشود که دانشجو از نظر ایدئولوژیك نیز بیشتر تحت تاثیر ایدئولوژی آن طبقاتی باشد که منشاء و خاستگاه اجتماعی او هستند. بدینسان دانشجویان دارای ایدئولوژیهای گوناگون و گاه متضاد هستند. ولی در اینجا هم دانشجو بعنوان یك قشر ویژگیهائی دارد، اولا از آنجا که دانشجویان در اکثریت خود وابسته به خرده بورژوازی هستند از نظر ایدئولوژیك نیز بطور عمده تحت تاثیر ایدئولوژی خرده بورژوائی قرار دارند. جنبه مثبت این ایدئولوژی در میهن پرستی و دمو کراتیسم و جنبه منفی آن در ناسیونالیسم افراطی ونوسان سریع از یك قطب به قطب دیگر منعکس میگردد. تابا آشنائی دانشجو با علم وفارغ بودن از مشکلات معیشت و شغل ومقام وشور جوانی آماده گی خاصی در وی برای پذیرش افکار نو و مترقی و انقلابی بوجود میآورد. این وضع موجب میشود که دانشجو - صرف نظر از اینکه وابسته بچه طبقه و تحت تاثیر چه ایدئولوژی باشد (البته مقصود ایدئولوژی های غیر پرولتاریائی است) بتواند از طبقه و ایدئولوژی خود ببرد و ایدئولوژی پرولتاریا را بپذیرد. تاکنا همانطور که منشاء طبقاتی دانشجو در تعیین ایدئولوژی وی نقش مهمی دارد، امکانات آتی دانشجو در اجتماع نیز در این زمینه مؤثر است. زیرا دانشجوقشری است که سیال است، یعنی کسیکه امروز دانشجو است فردا از یکطرف دارای مقام اجتماعی معینی است و معمولا زندگی مرفهی دارد، از طرف دیگر میتواند وارث موقع طبقاتی خانواده خود گردد.

نقش و وظائف دانشجو

دانشجو میتواند با پرورش خود بعنوان یك روشنفکر دانش خودرا در خدمت پیشرفت اجتماع قرار دهد. دانشجو میتواند نیروی مادی و فکری خود را در راه آزادی ملت و میهن خویش از قید استعمار و استبداد و استثمار بکار برد. دانشجو - بویژه در کشور های کم رشد - میتواند در جنبشهای ملی و دمو کراتیك شرکت مؤثر داشته باشد و با پذیرش ایدئولوژی و رهبری طبقه کارگر به راه مبارزه برای انقلاب بنیادی اجتماعی پا بگذارد.

در عمل گروهی از دانشجویان بخدمت طبقات حاکم درمیآیند و با چون خود وابسته به طبقات حاکم هستند بدفاع از منافع طبقاتی خود میپردازند. گروه دیگری - صرفنظر از وابستگیهای طبقاتی خود و بازیشت با زدن بمنافع طبقاتی خود - ایدئولوژی پرولتاریا را میپذیرد و بدفاع از منافع وی میپردازد. و بالاخره گروهی - که معمولا اکثریت را هم تشکیل میدهند - بین خلق و طبقات حاکم قرار میگیرند.

دنباله از صفحه ۱

کنفرانس جهانی حقوق بشر

و همچنین برای سازمانهای غیر دولتی عضو شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد نیز که بعنوان ناظر در کنفرانس جهانی شرکت دارند ارسال گردیده است.

در این نامه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران پس از آنکه تصمیم دائر به تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر را در تهران یعنی درپایتخت کشوری که دولت آن علی‌رغم امضاء زیر اعلامیهٔ جهانی کلیهٔ حقوق فردی و اجتماعی مردم را پایمال میکند متناقض یاهدف های مورد ادعای کنفرانس جهانی تلقی مینماید باستناد فاکتهای غیر قابل انکار نشان میدهد چگونه دولت ایران که خود را مدافع اصول مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر میشمارد یکی یك حقوق انسانی و سیاسی مردم ایران را آشکارا نقض میکند.

باز داشتهای غیر قانونی، محاکمات فرمایشی دو دادگاههای درجهٔ نظامی، اعدامها، تبعیدهای خلاف قانون، انتقال خود سرانهٔ زندانیان سیاسی بنقاط بد آب و هوا، شکنجه‌ها، رفتار غیر انسانی مأمورین سازمان امنیت، سلب حق دفاع از متهمین سیاسی جزء مسائلی است که در نامهٔ کمیتهٔ مرکزی مشروحاً بیان شده مستدلا اثبات گردیده است.

نامهٔ سرگشاده نقض آشکار مواد ۱۸ و ۲۰ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر دائر به آزادی عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی سندیکائی و سایر آزادیهای دمو کراتیك مردم را مطرح نوسان میکند. درجه افزایش کمی گروه مترقی تامواضع پرولتاریا، درجه افزایش کمی گروهی که بدنبال پرولتاریا بیاید و رهبری وی را بپذیرد و پیگیری و استواری دانشجو در مبارزه واسته بسطح رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، سنت جنبش و مبارزه، اندازه نیروی جنبش، سیاست درست پیشاهنگ آگاه و مترقی و تاثیر تحولات بین المللی در جامعه مفروض است.

در دنیای کنونی بعلت قدرت و رشد روز افزون اردو گاه سوسیالیسم، جنبشهای کارگری و دمو کراتیك و نهضتهای آزادی بخش ملی و ورود قشرهای دمو کراتیك جامعه در صف دانشجو و افزایش تعداد دانشجو در کشور های متمدن، امکان پذیرش افکار مترقی از جانب دانشجویان و در نتیجه فعالیت آنها در این جهت افزایش یافته و در آینده باز هم بیشتر افزایش خواهد یافت.

سیاست درست آنست که بدون زیر پا دادن و یا کم بها دادن به نقش اجتماعی و وظایف دانشجو از این زمینه مساعد برای جلب هر چه بیشتر دانشجویان به آرمانهای انقلابی و مترقی استفاده کند و نیروی مادی و فکری حد اقل اکثریت آنان را بخدمت صلح، استقلال ملی، دمو کراسی و سوسیالیسم درآورد.

م. انوشه

دنباله از صفحه ۱

مردم ایران از بهبود روابط ایران و شوروی پشتیبانی میکنند

دولتی بر پایهٔ برابری حقوق و کاملا درصرفه اقتصادی و سیاسی ایران منعقد شده و هم اکنون در رشد صنعتی و بهبود وضع اقتصادی ایران اثرات مشهود داشته است.

علت پشتیبانی بیکیر و پر شور ما از همان آغاز از بهبود روابط ایران و شوروی توجه بهمین نتایج مثبت برای اقتصاد و سیاست کشور ما بود. ما بخوبی میفهمیم که این بهبود موجب تضعیف مواضع امپریالیسم در ایران و ترقی کشور ماست و ترقی جامعه ما از نظر عینی امکانات مساعد برای بالا رفتن حد مقاومت آن در قبال امپارکسمان امپریا لیستی ایجاد میکند. اینکه میدان عمل مستقل رژیم، بر خلاف سالهای اولیه پس از کودتای ۲۸ مرداد کمابیش در برابر امپریالیستهای امریکا و انگلیس بسط یافته و دولت ایران امروز میتواند، برخلاف گذشته، در این یا آن نکته حساب جداگانه خود را بیان کند، از جمله نتیجه تاثیر جان بخش بهبود روابط ایران و کشور های سوسیالیستی و در وهله اول اتحاد شوروی است. اگر روزی کسانی به صحت استدلالاتما که میگفتیم بسط روابط ایران و کشورهای سوسیالیستی موجب تکمیل ساخته و بانکه به فنا نهای انکار ناپذیر نشان میدهد چگونه رژیم ایران در داخل کشور ابتدائی ترین اصول دمو کراتیك مردم را نقض میکند و در خارج میکوشد خود را مانند دولتی قانونی، دمو کراتیك و ترقیخواه جلوه گر سازد.

کمیتهٔ مرکزی در این نامه که تنها از زندانیان سیاسی عضو حزب توده ایران، که تنها از آزادی عقیده، آزادی قلم و بیان و آزادی اجتماع برای معتقدین به حزب توده ایران سخن گفته بلکه از کلیهٔ زندانیان سیاسی، از حقوق حقهٔ عموم سازمانهای اپوزیسیون دمو کراتیك دفاع نموده است.

نامه سرگشادهٔ افشاء اعمال غیر انسانی و ضد دمو کراتیك رژیم ایران نظر کنفرانس جهانی حقوق بشر را باین نکته معطوف داشته است که صداقت در مورد اصول مندرجه در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر مستلزم اتخاذ تصمیمات قاطعی در جهت اجراء این اصول است.

در پایان نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به کنفرانس چنین اعلام میدارد: «هیچگونه پندار خوش بینانه‌ای دربارهٔ ترتیب اثر دادن کنفرانس به مندرجات این نامه نداریم زیرا تا کنون همهٔ نامه ها و شکایات ما بکمیسیون حقوق بشر بدون اثر مانده است. با وجود این امیدواریم که حد اقل این نامه بتواند محرك کنفرانس در جهت اتخاذ تصمیمات مؤثری بمنظور اجراء واقعی اصول اساسی مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و دفاع از این اصول بویژه در برابر دولت های استبدادی که این دولتی که در کشورما وجود دارد باشد تنها ونتها دراین جهت است که ما خواهان موفقیت در امور کنفرانس هستیم.

شدن پایگاه امپریالیسم در ایران است پی نبردند، اینك میتوانند بانگاه، واقعیات، به صحت آن قضاوت پی ببرند.

بهمین جهت است که قاطبه مردم ایران بهبود روابط ایران و شوروی را با خرسندی عمیق تلقی میکنند. استقبال شورانگیز مردم از رفیق برژنف و اخیرا از رفیق کاسیگین خود نمودار این تأیید عمومی است. در جریان مسافرت رفیق کاسیگین از طرف سازمان حزب ما در تهران ترا کتهائی پخش شد که منعکس کننده قضاوت مردم است. از آنجمله در این ترا کتها چنین میخوانیم «هر کام که در جهت دوستی ایران با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برداشته شود ضربه ایست بر نفوذ استعمار وامپریالیسم در ایران... کمکهای اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی ضامن استقلال، ترقی و رفاه عمومی خلقهای ایران است.»

*

ما از همان آغاز بهبود روابط ایران و شوروی، مسئله ضرورت گسترش و تعمیق این روابط را مطرح ساختیم. زندگی نشان داد که خواست ما که همان خواست مردم ایران است چه اندازه بامصالح کشور متعلق بوده است. تجربه همچنین نشان داد که نظر دائمی حزب ما در باره تاثیر زیانبخش واسارت آور سیاست امپریالیستی در ایران نیز چه اندازه منعکس کننده واقعیت است. این امری است که دیگر، در این یا آن مورد مشخص، مورد اعتراف سخنگویان ومطبوعات دولتی نیز قرار میگیرد. چه نتیجه ای باید از این واقعیات گرفت، تعمیق باز هم بیشتر روابط با کشور های سوسیالیستی و کوتاه کردن دست امپریالیستها از ایران.

هنوز از کلیه امکانات و ذخائر عظیم بهبود و گسترش روابط ایران و کشور های سوسیالیستی استفاده لازم نشده است و هنوز مواضع مهم و کلیدی اسارت آور اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی امپریالیست ها در کشور ما دست نخورده باقی مانده است. لازمه یك سیاست مستقل پیگیر برچیدن این پایگاههای اسارت بار، مقابله با تحریکات و دسائس امپریالیستی برای دفاع از مناقع‌حیاتی میهن ماست. شرایط عینی جهان امروز برای کشور هائی نظیر ایران امکانات مساعد فراوانی از جهت مقابله با امپریالیسم برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خود فراهم ساخته است. روشن‌است که مردم ایران وحزب ما بعنوان منعکس کننده منویات زحمتکشان این کشور از هر اقدام مشخصی که درجهت دفاع از مناقع و استقلال واقعی کشور بعمل آید، حمایت خواهند کرد.

ما در گذشته از بهبود روابط ایران و شوروی با تمام قوا پشتیبانی کردیم، زیرا بحقانیت آن باور داشتیم و در آینده نیز با ایمان بهمین حقانیت، چنین خواهیم کرد.

متن دفاع رفیق کارگر ما صابر محمد زاده در دادگاه تجدید نظر نظامی

خویشتنداری گرامی مردم، اعلام دارد که رفقای کارگر ما صابر محمد زاده و آصف رزم و ... پس از کشف مطبعهٔ مخفی «مدینه مردم» و «دعاه جنوب» در اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ در تهران توقیف شدند. این رفقا پس از هشت ماه بلاتکلیفی، در ۱۸ دیماه ۱۳۳۶ در دادگاه بدوی در پرسنل نظامی محاکمه و بترتیب به ۶ و ۵ سال حبس و سپس ۱۸ و ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۶ در دادگاه تجدید نظر در پرسنل نظامی بترتیب به ۷ و ۶ سال حبس محکوم گردیدند. متن دفاعی که اینک بنظر خوانندگان ارجمند میرسد متعلق به رفیق کارگر ما صابر محمد زاده است که در دادگاه تجدید نظر بنظر دفاعی قرائت شد زیرا دادگاه فرمانبری از ادامهٔ قرائت آن جلوگیری کرد. رفیق صابر محمدزاده متن کتبی دفاع را در اختیار دادگاه گذاشت. رفیق صابر محمد زاده در آغاز دفاع در باره رأی صادره

...در کیفر خواستی که علیه اینجانب تنظیم شده است اشارهشده که اینجانب عضو حزب توده ایران بودهام و خود نیز بآن اعتراف دارم بنابر این برای اینجانب و رفیقم به [illegible] دیدند ۱ و ۲ از ماده ۶۰ تقاضای ۳ تا ۱۵ سال محکومیت شده است اینك تقاضا دارم به عرایضم توجه فرمائید:

در اینکه اینجانب به عضویت درحزب توده ایران اعتراف کردهام و بخریم علاقمندم حرفی نیست اما عضویت در حزب توده ایران را چرم نمیدانم و به همین دلیل هم فکر میکنم که آقایان اعضاء محترم دادگاه با یك حادثه غیر عادی روبرو نیستند. زیرا افراد یك جامعه همانطوریکه در قانون اساسی ایران تصریح شده و دانشمندان و علمای حقوق کشورهای مختلف نیز اعلامداشته اند دارای حقوق هستند و حقوق اصولا بدو قسمت تقسیم میشود: یك قسمت حقوق طبیعی و قسمت دیگر حقوق وضعی است. حقوق طبیعی قواعد و مقرراتی است که دائمی و عمومی میباشد مانند آزادی شخصی، مساوات در مقابل قانون، آزادی مسکن، آزادی عقیده مذهبی و سیاسی و فلسفی و غیره. و اما حقوق موضوعه حقوقی است که در هر کشور وضع میشود و دائمی و عمومی نبوده بلکه تابع کیفیات زمان و مکان و اوضاع واحوال معینی است. من از آقایان محترم سئوال میکنیم آیا داشتن فکر و عقیدهٔ سیاسی و پیروی از یك فلسفهٔ علمی که امروز جنبه جهانی بخود گرفته و بالاخره عضویت در یك حزب سیاسی که جزء حقوق طبیعی افراد یك جامعه است جرم است؟ و اگر جرم است در برابر کدام قانون و کدام مجلس آنرا جرم شناخته است؟ آیا قانون تا کنون بدسته یا عدهای که مجری آن میباشند چنین اجازه و اختیاری داده است که بتوانند حقوق طبیعی افراد یك جامعه را با قوانین موضوعه که تابع شرایط زمانی و مکانی بوده مخصوصا در یك اجتماع طبقاتی که قوانین موضوعه جنبه طبقاتی دارد از جمعی افراد سلب نمایند و آنها را مانع شوند از اینکه بخواهند در سرنوشت سیاسی و اسیاسی عقاید خود آزاد باشند؟ واتکهی اصولا میخواهیم بدانیم که از نظر قانون اساسی حقوق موضوعه برای چه بوجود آمده است؟ آیا برای پشتیبانی و حراست حقوق طبیعی مردم یا برای ازبین بردن حقوق طبیعی و محدود کردن افراد؟

آنچه مسلم است و حتما آقایان هم اطلاع دارید در قوانین اساسی کشور های مختلف از جمله در قانون اساسی ایران تصریح شده است و از نظر بین المللی نیز سازمان ملل متحد که یك مجمع جهانی است حقوق طبیعی مردم جهان را در اعلامیه جهانی حقوق بشر مو کداً تصریح نموده و ایران عضو رسمی این سازمان بین المللی است و حقوق طبیعی مردم جهان را خدشه ناپذیر اعلام کرده و ذیل اعلامیه نامبرده را امضا کرده است. پس با اینوصف آیا مجریان قوانین کشور های مختلف از جمله ایران حق دارند تحت عناوین و بهانه های مختلف حق طبیعی مردم را از بین برند؟ بدون شك جواب این سئوال منفی است زیرا هیچ قانونی در جهان وجود ندارد که بتواند حق طبیعی و مسلم مردم را که تشکیل احزاب و اجتماعات سیاسی یکی از آنهاست از بین ببرد بلکه بر عکس حفاظت و نگهداری حقوق طبیعی مردم از انواع دستبردها ازوظایف حتمی مصادر امور است. حالا خواهش من این است که آقایان بمن بفرمایند: داشتن فکر و عقیدهٔ سیاسی و پیروی از یك فلسفه علمی آنهم فلسفه‌ای که اکثریت مطلق جوامع بشری بدان گرویده و آنرا قبول دارند طبق کدامیك از قوانین جرم است؟ آیا خارج از مصوبات بین المللی است؟ و تکلیف ایران در این میانه چیست؟ چرا افراد آن نمی باید بتوانند از آزادی قلم وبیان و اجتماعات برخوردار گردند؟ من خیال میکنم حقیقت اینستکه هیچیك ازدولتها نتوانند این حق مسلمرا از جامعه‌ای سلب کنند و یا آنرا محدود نمایند و باز تصور میکنم احتیاج به تکرارنباشد که هرنوع عملی که مردم را از رسیدن به حقوق حقهٔ آنها ممنوع دارد و آزادی را از آنان سلب نماید یا مانع تشکیل اجتماعات ملی باشد خود اینکار جرم آشکار است. حالا برای اینکه مطلب متکی به مواد قانونی باشد بد نیست در اینکه به ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر که از هر حیث معتبر و ایران عضو رسمی آن است توجه فرمائید: ماده مزبور میگوید که تمام افراد بشر آزاد بدنیامیآیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و باید با هم با روح برادری رفتار نمایند. مگر ملت ایران بامت فرانسه و ایضا دیگر کشور ها چه اختلافی دارد؟ چگونه آزادی احزاب و اجتماعات در آنجا بوسیله دولتها حمایت و پشتیبانی میشود؟ آیا آنچه که سازمانهای انتظامی با مردم رفتار میکنند و اینکه میگویند افراد جامعه با هم برابرند و باید با هم با روح برادری رفتار کنند مفهومش همین است که با ما رفتارمیشود؟ اینست معنی برادری که دو کارگر ساده را که در یك سازمان اجتماعی قبول عضویت کرده اند مجرم تشخیص دهند و در ردیف جانیان به محاکمه بکشانند؟ در ماده ۲ میگوید هر کس میتواند بدون هیچگونه بیم و ترس از عقیده سیاسی و کلیه آزادیهائی که دراعلامیه حقوق بشر ذکر شده بر خوردار باشد، من نمیدانم شما این مواد را بچه مناسبت در کتابها مینویسید و دراشکده حقوق تدریس میکنید؟ و اینطور تظاهر مینمائید که آنرا قبول دارید و متکی بدان هستید. وقتی فردی بتواند بدون هیچگونه بیم و ترس از عقیده سیاسی خوددفاع کند پس چرا مانباید بتوانیم؟ مگر ما جزء افراد زنده و بالاخره جزء بشر عصر کنونی نیستیم؟ کیفر خواست اینطور مدعی است که نوع جرم یعنی اتهام منتسبه باینجانب از درجه خیانت میباشد و اعمال آن منطبق است با بند یك از ماده یك قانون مقدس علیه امنیت و استقلال مملکت و در واقع میگوید که عضویت در حزب توده ایران از اینجهت جرم است که امنیت و استقلال کشور بوسیله این حزب در مخاطره میافتد. اولا بد نیست بدانیم که چرا با وجود اینکه در چند سال گذشته در قوانین جاری مملکت و حتی درقانون اساسی مکرردستکاری شده و بسیاری از مواد تغییروتبدیل پیدا کرده (به بهانه اینکه برخی از مواد قانون باوضاع و احوال و پیشرفت کنونی کشور وفق نمیدهد و میباید تغییر کند) اگر اینطوراست پس چرا بند ۱ ماده ۱ که از ماده ۶۰ مربوط به قانون مصوبه در سال ۱۳۱۰ اقتباس شده تا کنون تغییر نکرده است؟ چرا مواد دیگری بجای آن قرار نگرفته است که با وضع کنونی جهان خاصه ایران وفق بدهد؟ بهمین مناسبت است که عدهای نخواستند و یاتلم آنان ایجاب نکرده است که در این ماده قانون نیز تجدید نظر نمایند. واتکهی باید منصفانه قضاوت کرد مگر نه اینست که حزب توده ایران تنها حزبی است که با امپریالیسم و ارتجاع داخلی از سالها پیش باینطرف مبارزه میکند وازمداخلات ناروای بیگانگان در امور داخلی مملکت ممانعت مینماید؟

اگر سازمانهای وابسته به حزب توده ایران در ادامه برنامه خود آزاد بودند و به آنها اینطور بیرحمانه حمله نمیشد آیا آزادی در مملکت ما به چنین روزی میرسید که امروز کمترین آثاری از آن نیست؟ نه مجلس، نه دولت، نه رجال سیاسی، نه طبقات دیگر مملکت هیچکدام نمیتوانند کمترین مداخله ای در امور داخلی مملکت خودشان بکنند. حتی مطبوعات که باصطلاح رکن چهارم مشروطیت است کمترین نقشی در راه تأمین آزادی و احقاق حق افراد کلا و جزئا نمیتوانند بکنند. ادامه این وضع بنفع چه کسی است؟ اگر این آزادی کشی و محو کلیه آثار دموکراسی از ناحیه افراد ورجال داخلی سرچشمه میگیرد چرا وبچه سبب است؟ و اگر بیگانگان و بالاخره امپریالیسم جهانی بیتظور استثمار باز هم بیشتر ملت ما وضع موجود را ایجاد کرده است پس نقش ملت در اینکار چیست؟ چرا و چگونه و به چه مناسبت میبایست ساکت نشست و بآنها اجازه داد درامور داخلی کشور ما به هر شکلی که بخواهند مداخله کنند و از عواید سرشار و منابع طبیعی کشور ما مانند نفت و غیره نفع بیگران ببرند. پس ناگزیریم بآقایان عرض کنیم که انتخاب چنین رویه ای نسبت بیك حزب مدافع استقلال و مبارز، بخصوص که با استعمار دشمنی آشتی ناپذیری دارد، به نفع ملت ما واستقلال مملکت مانیست. متوقع هستم شما که افراد تحصیل کرده و سرباز مملکت هستید باین گزارشهای واهی و بی اساس چند مأمور سازمان امنیت ترتیب اثر ندهید. آنها از همه جا وهمه چیز بی اطلاع هستند. جز شهرت طلبی و استفاده های کلان مالی بعنوان پاداش و حقوق و حسن خدمت نشان دادن نظری ندارند. ناگزیرند بازاء مبالغ کلانی که هر ماهه دریافت میکنند بالاخره گزارشی هم تنظیم بکنند و هرچند صباحی بکبار به خانه و کاشانه این و آن هجوم بیاورند و بالاخره بقول خودشان «وظیفه ای» را انجام دهند. اصولا اعضاء حزب توده ایران و بطور کلی این حزب مبلغی و مترقی را نمیتوان با یك سلسله الفاظ و عبارات و یاتکاء چند ماده باصطلاح قانونی که در عصر کنونی بهیچوجه با پیشرفت و ترقی مملکت و ارتقاء افکار عمومی وفق نمیدهد

«بقیه در صفحه ۴»

روز ۱۸ اسفند ساعت ۲ بعد از ظهر رفیق صابر محمد زاده را بزندان رمنتکه تبعید کردند.

بقیه از صفحه ۳

متن دفاع صابر محمدزاده

نفی کرد . من خیال میکنم منظور مصادر امور باینکه حزب توده ایران را مخالف با استقلال و تمامیت ارضی کشور میدانند ازاین نظر باشد که این حزب چون از نظر ایدئولوژی تابع خط و مشی خاصی است و از اینکه کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌هم از نظر ایده ئولوژی تحت رهبری حزب برادری است که در رأس همه احزاب و پیروان این مکتب قرار دارد . بنا بر این یك توضیح مختصر در این باب میدهم ؛

تاریخ گذشته نشان داده و خوب شما خوب میدانید که در رژیم سوسیالیستی اصولا استثمار و استعمار وجود ندارد. کشورشوروی از همین جنگ گذشته تا کنون همیشه و در همه حال بیاری بسیاری از کشورهای کوچك و مثل ضعیف شباته و بآنها از نظر مادی و معنوی بدون اینکه کوچکترین چشم داشتی داشته باشد کمك کرده است . یك مثال خیلی ساده . شما آقایان خوب میدانید که قبل از پنجاه سال پیش تا کنون دولتهای ایران مکرر نخواسته که کشور ما را از نظر صنعتی یك گام به پیش ببرند نتوانسته ، زیرا امپریالیسم برای آب کردن آنکه آهنپاره‌های خود در کشور ما نخواسته است و همیشه مانع شده کما اینکه کارخانه ذوب آهنی که قبل از شروع جنگ دوم جهانی آمادهٔ نصب و همه مقدمات آن فراهم شده بود از بین رفت و معلوم نشد اصولا قطعات آن و دیگر ابزار کار آن چطور شد و سالها در این باب با ما بازی کردند و ما را سر گرم نمودند. ممالکی که ملتش حتا روی طلا بسر میبرد معذلك به خاك سیاه و گرسنگی گرفتار شده است و تمام عواید آنرا بطریق مختلف بنفع خود میبرند و اما همین کشور دست و همسایهٔ شمالی ما نه تنها هیچگونه طمع ارضی و مداخله ای در کشور ما نداشته است بلکه امروز برادرانه یاری ساختانه و بنا کارخانه عظیم ذوب آهن را داده که امیدواریم قریبا نیز شروع بکار نماید و کشور ما از نظر صنعت و تکنیك جلو برد. بنا بر این میخواهم عرض بکنم که پیروی از ایده ئولوژی مارکسیسم - لنینیسم که ملت شوروی الهام بخش و همچنین پایگاه ابتدائی آنست چگونه و بچه ترتیب میتواند مخل نظم و یا استقلال کشور ما تلقی گردد؟ انصافا بفرمائید تا کنون چه چیز از ما برده و چه نفعی انتظار داشته یا دارد؟ یك کشوری که از راه خرید گاز نفت که میلیونها تن از آن بهدر میرود و در هوا پخش میشود یك کارخانه عظیم ذوب آهن با تمام وسائل در اختیار ما میگذارد که باعث رشد سریع صنایع ملی و ترقی تکنیك ما خواهد شد ؛ در چنین صورت آیا دولت مذکور واقعا قصد سوئی نسبت به کشور ما دارد؛ چشم طمعی نسبت بمنافع ملت ایران‌دارد؟

گر چه اساسا ذکر این مسئله بنظر خود من هم زائد میرسد ولی بعنوان توضیح و روشن شدن ذهن آقایان عرض شد ؛ زیرا خوشبختانه زمامداران این کشور ما بین واقعیت پی برده اند که دوستی و احترام متقابل و برقراری روابط حسنه بین ما و کشور شوروی بنفع ملت کما اینکه یك سلسله رفت و آمدها مذاکرات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از چندی پایتخت شروع شده و همین چندی پیش اکثر رجال ما بمناسبت جشن یاد بود پنجاه ساله انقلاب اکتبر ازلنین پیشوای بزرگ انقلاب و بنیاد گذار حکومت شوروی به نیکی یاد کرده اند و برای آن احترام خاص قائل شدند . بنا بر این حزب توده ایران حزبی است که با تئوری مارکسیسم لنینیسم مجهز و ازنظر فلسفی پیرو ماتریالیسم دیالکتیك است . حزب توده ایران حزبی است که در اعماق قلب مردم رخنه کرده و مانند خورشید فروزان سر بیرون آورده و با اشعهٔ زرین خود تاریکیهای این اجتماع را روشن کرده و حقایق را عریان میسازد . حزب ما بمثابه متمامی است فروزان که در پیشاپیش طبقه کار گر ایران و در دست نیرومند وخلاق آنان قرار دارد و راه نجات طبقه رنجدیده و سازنده را از فقر و بدبختی وتناقضات اجتماعی نشان میدهد . حزب توده ایران حزبی نیست که از روی مصلحت بوجود آمده باشد ؛ حزبی است که ضرورت زمان و شرایط اجتماعی آنرا بوجود آورده ؛ حزبی است دارای تاریخ طولانی مبارزات سیاسی و بالاخره حزبی است که در راه احقاق حقوق اکثریت مردم ایران مبارزه میکند و در راه برآورده ساختن آرمانهای طبقه کار گرایران و همه زحمتکشان و میهن دوستان از بذل هیچگونه مساعی دریغ نمیکند . آیا چنین حزبی را میتوان تنها بعلت اینکه عبر یا زید خوشتان نمیآید و منافسان را در موجودیت حزب توده ایران نمیبینید منحله اعلام کرد و غیر قانونی تلقی نمود ؟ کدام قانون میتواند در برابر خواست جامعه مقاومت کند وافکار عمومی را نادیده بگیرد ؟

رهبر شهید ما دکتر تقی ارانی میگوید «فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع مردم باشد» . باین ترتیب پیداست که هر قانونی بر خلاف جهت نفع عمومی وضع گردد معتبر نمیتواند باشد همه میدانیم که دراجتماع ایران هیچگونه امکان برای تجمع افراد و تشکیل سازمانهای خود برای گرفتن حقوق سیاسی و اجتماعی خود وجود ندارد ؛ کوچکترین امکان تجمع حتی برای ٦ نفر وجود ندارد ، آزادی قلم ، بیان و اجتماعات وجود ندارد ونوشته ها مکرر سانسور میشوند. چاپخانه ها در مضیقه هستند و حتی نشر کتب علمی بدون اینکه از نظر سازمان امنیت بگذرد و موافقت آن جلب شود مقدور نیست. این محدودیتها بدون شك نتیجه معکوس دارد و نمیتواند برای همیشه دوام داشته باشد . زیرا ملت ما در عصر حاضر از خواب غفلت بیدار شده و خوب میداند که آزادی ازلوازم اولیه زندگی است و بآزادی حتی بیش از نان و آب احتیاج دارد. با ادامه وضع کنونی یك محیط خفقان آمیزی که وجود دارد ادامه مییابد و بعدهٔ زیادی اجازه فعالیت نمیدهند ؛ اما برای حزب توده ایران که اساسا علت وجودی آن ، خدمتی آن و هدف آن مشخص است افزایش خفقان همانطور که ثابت شده است نمیتواند جلوی مبارزاتش را بگیرد . بهر صورت کار گر مبارز فشار افزوده شود افراد آن در صدد پیدا کردن راه حل دیگری برمیآیند . شما خیال میکنید که این تنها منم یا رفیق کار گر منست که مأموریت سازمان امنیت ما را بگیرند و وسائل ما را بغارت برده بدهم بعنوان دو متهم‌جنائی در اختیار شما بگذارند ؟ از کجا میدانید که صد ها و هزار ها افراد دیگر همچنان بکار خود ادامه ندهند ؟ من میخواهم امروز خیلی صریح و صادقانه و در واقع بزبان یك کار گر با شما صحبت بکنم . مطلبی را که میخواهم بگویم این است ، افکارعمومی اینطورقضاوت میکنند که معا کم نظامی استقلال ندارند زیرا احکام محکومیت من و رفیقم و دسته ها و افراد دیگر قبلا بوسیلهٔ دیگران تهیه و تنظیم شده و دادگاههای نظامی در حقیقت مأمور ابلاغ آن هستند و جز اجرای یك سلسله تشریفات صوری و ظاهری نقش دیگری ندارند . چرا میاید اینطور باشد ؟ اگر اینطور نیست نشان بدهید و ثابت کنید که فعالیت سیاسی برای هیچکس نباید جرم باشد و برای نمونه بگذار هم که شده است این پرونده های بی اساس و اتهامات واهی را بدور بریزید . بجای ما تشکیل دهندگان آنرا بانیما بکشانید و راه درآمد یا باصطلاح نادانی آنها را قطع کنید. نشان بدهید که در این مملکت قضات و باید افراد در انتخاب سرنوشت و آینده خود مختار باشند . این سلسله الفاظ و عبارات را که بحزب تودهٔ می بندند و ناجوانمردانه بآن نسبتهای ناروا میدهند دور بریزید . حزب توده ایران تنها حزبی است که با ایده ئولوژی علمی تا کنون در ایران بوجود آمده و ریشه های عمیق و طولانی در بین طبقات مختلف مردم دوانده است . کار گران ، دهقانان ، روشنفکران و بالاخره تمام آنهستند از زحمتکشان این‌مملکت وعده اینکه با کار و زحمت زندگی میکنند مناقع و سعادت آتی خود را در پناه حزب توده ایران یافته اند و با وصایت خاطر بآن گرویده اند. منهم که کار گری هستم پس‌از مطالعات طولانی و بررسی های مختلف عضویت حزب توده ایران را قبول کرده ام. من یك انسان توده ای هستم ، به مملکتم و استقلال وطنم و آزادی‌هم میهنانم و آسایش تمام افراد کشورم از صمیم قلب علاقمندم ؛ مبارزه من صرفا بمنظور بهبود وضع طبقه کار گر ، مبارزه با امپریالیسم جهانی و قطع مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشور میباشد . من روزنامه و مجله میخوانم ، رادیو گوش میدهم و تلویزیون میبینم ؛ در مایم که چطور هر روز امپریالیسم خونخوار امریکا از آنسوی اقیانوسها در ویتنام چه میکند ؛ چگونه هر روز با چه وضع بیرحمانه خون مشتی مردم بیدفاع و زنان و کودکان را به زمین میریزد . دیروز با کره چه کرد، کنگو چگونه بخاك و خون کشیده شد ، در کوبا برای اینکه آزادی مردم را از بین ببرد دست بچه جنایاتی که نزد ؟ هم اکنون در کشور های اطراف میهن ما بر علیه کشور های عربی با تجربات مشتی سرمایه داران اسرائیلی چه آشوبی بپا کرده اند ، اسرائیل به پشتیبانی امریکا بفاصله چهار روز جنگ چندین هزار نفر مردم را بدیار نیستی فرستاد .

آقایان قضات محترم ، ما را آزاد بگذارید . باین یك یا دو ماده ای که بدان نام قانون گذاشته اید و مربوط به سالهای قبل است ترتیب اثر نمیدهد . نگذارید که مشتی مأمور استفاده جو و خود سر فقط بعلم اندوختن مال و منال و برای حفظ جاه و مقام همه قوانین حتی قوانین انسانی واخلاقی را زیر پا بگذارند ، بخانه و کاشانه مردم بتازند و در برابر چشم زن وبچهٔ مردم‌افرادی را از آغوش خانواده هایشان بربایند و بزندان بکشانند .

کجای استقلال مملکت و امنیت جامعه

بوسیله ما یعنی اعضای حزب توده ایران به مخاطره افتاده است ؟ مبارزه با ما یعنی‌حمایت و جانبداری از استعمار ، یعنی کشاندن مردم به فقر و بدبختی ، یعنی جانبداری از استثمار و بهره کشی بیرحمانه مردم زحمتکش . بگو واقعا شما نمیبینید و نمیدانید که با مردم چه میگذرد ؟ شما که اختیار دارید ، شما که قدرت دارید ، چند روزی لباس سربازی از تن بدر آورید و در اختیار من قرار گیرید تا شما را ببرا کنز و محلها ببرم تا ببینید چه جنایاتی اتفاق میافتد و انجام میگیرد . خواهید دید که چگونه صدها و هزارها نفر ازمردم سر گرسنه بر زمین میگذارند . نان خواستن، آب خواستن، طالب فرهنگ بودن، بیدار کردن مردم ، بوجود آوردن نهضتهای ملی و بالاخره طلب آزادی و آزادگی از برنامه های علمی حزب ماست . چگونه وچرا باید این عمل جرم شناخته شود ؟ چرا باید بیروان یك مکتب سیاسی را بلام مجرم وبنام جنایتکار بنحا که بکشانند ؟ دقت کنید ؛ قبل از شما اینطور رفتار کردند و در کشورهای دیگر هم اینطور کردند؟ آیا اثری از آنها باقیست ؟ اما ملت و ملتها همچنان کوهی از سنگ بر پای خود ایستاده اند . من انتظار دارم نه تنها ما را تبرئه کنید بلکه متوقعم شهامت و جوانمردی که از صفات خاص شما سربازان است بخرج دهید وبنویسید و بخواهید این گنه منحله بودن و غیر قانونی بودن را از روی حزب توده ایران بردارند ؛ ما را آزاد بگذارند ، بگذارند که آزادانه بفعالیت های سیاسی خود ادامه دهیم . در طرد استعمار و برانداختن کلیه نفوذ امپریالیستی ؛ ما را آزاد بگذارند . ما هیچ چیز جز سعادت‌ملت خود فکر نمیکنیم . قسم بحقیقت ، سوگند به شرافت که عشق جز وطن پرستی ونوعدوستی در مکتب ما نیست . هدف ما اینستکه یك مملکت بتمام معنی مستقل ، یك حکومت ملی و بالاخره آنچنان رژیمی مستقر کنیم که همه از عالی و دانی ، پیر و جوان ، کار گر و دهقان و بالاخره از یك استاد دانشگاه گرفته تا یك کار گر ساده ، همه با هم در رفاه و آسایش باشند و برادرانه زندگی کنند . اینست هدف و آمال و آرزوی حزب ما و مردم ما .

دنباله از صفحه ۱

صد سال از تولد ماکسیم گرکی...

او، که یکی از بزرگان محبوب و معتبر ادب در سدهٔ ماست، با تجلیلی فراوان و درخورد یاد شده است.

گرکی در آثار فراوان خود از زمان و نمایشنامه و قصه و قطعات موزون یا منظوم و مقالات انتقادی و سیاسی مدافع نیرومند انسان زحمتکش و آرمانهای اوست. وی زمانی در معرفی شخصیت خود این جملات را نوشت:

«اگر من مردی نقاد میبودم و قرار بود کتابی در باره ماکسیم گرکی بنویسم، آنگاه میکوشیدم تا در این کتاب بیان کنم چه نیروئی است که که گرکی را بدان کسی بدل ساخته است که باکون وی چنان کسی است. این نیرو در آنست که وی نخستین کسی در ادبیات روس و شاید از جهت زندگی شخصی خود نیز نخستین کسی است که اهمیت شکوف کار و زحمت را ما در همه چیز های گرانبها، زیبا و سازنده در این جهان است دریافته است.»

اما انسان پرستی گرکی که در آثار والای این نویسنده همه جا جلوه گر است، از این پرستش کار و زحمت جدا نیست. وی انسان پرستی را به معنای نوعی احساس میهنپرستی و یکسان بهمه از ستمگر و ستمکش نمیفهمید، بلکه برای آن رنگ و سمت طبقاتی مشخص قائل بود. وی میگفت:

«انسان پرستی پرولتاری خواستار کین ورزیدن نیست بلکه بدیهیترین پرولتاری خواستار کین ورزیدن به قدرت سرمایه داران و جانشینان آنها، به شکل ها، به فلسفه ها، به دیدگاه ها و خلقیات طبقه کارگر است. کین ورزیدن که مولود رنج مردم است و نسبت بهمه آنکسانی که با رنج مردم ما میزیوند نفرت زندگی میکنند.»

روش و مکتب گرکی درجهت فرهنگ و ادب نیز تماما از همین باور او به انسان، باور به زحمت برمیخاست. وی معتقد بود که در عرصه هنر و فرهنگ منطقه بیطرف وجود ندارد و فرهنگیان مترقی باید سلاح قلم را در کنار پتک کارگر و داس دهقان قرار دهند. وی در مقاله معروف خود «فرهنگیان!» با گله هستید چنین نوشت:

«فرهنگیان، با گله هستید؟ با دیوهای جوشن پوش فرهنگ برای آموزش انتقال نوین زندگی با این ضد آدم نیرو ها، برای حفظ زمرهٔ راهنمائی بی مسئولیت و زمره ای که حد آنها در تبعیض خوشه و است.»

موضع اجتماعی و قریحه پرتوان ادبی گرکی وی را یکی از محبوب ترین نویسندگان جهان مبدل کرده است. در کشور ما ماکسیم گرکی را خوب میشناسند. برخی از مهمترین آثار او از زمان، قطعات منظوم و نمایشنامه و مقالات، بفارسی ترجمه شده است.

تاثیر گرکی در ادبیات معاصر ایران عمیق است. لنین و گرکی این دو دوست صمیم که در طلیعه قرن ما بمثابه مظاهر عالی عقل و قلب جامعه انقلابی روس عمل کردند، به شخصیت های عظیم جهانی تاریخی مبدل شدند و تاثیرات آنها در زمان و مکان، در ایجاد مدنیت نوبنیاد انسانی بسی ژرف و دیرپاست.

ا. س.

دنباله از صفحه ۱

درباره جلسه مشورتی بوداپست

۲- بوروی کمیته مرکزی اطلاعیه جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری بوداپست را که مضمونرحات آن با نظریات ابراز شده از جانب هیئت نمایندگی حزب توده ایران انطباق دارد تأیید میکند وموافقت خود را با دعوت کنفرانس بین المللی جدیدی از احزاب برادر که قرار است قبل ازپایان سال جاری در پایتخت اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شود ابراز میدارد.

۳- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران موافقت خود را با پیامی که از جانب جلسهٔ مشورتی در مورد پشتیبانی تام از مبارزه دلاورانه خلق قهرمان ویتنام صادر گردیده است اعلام میدارد.

۴- حزب تودهایران با تمام نیروی‌خود برای کامیابی کنفرانس بین المللی احزاب برادر و تحکیم و تقویت وحدت و همبستگی همه کمونیستهای جهان بر مبنای اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری خواهد کوشید و بهمین منظور در کمیسیون تدارکی کنفرانس فعالانه شرکت خواهندبود.

۵- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران یکبار دیگر خرسندی خود را درباره تصمیمات دمو کراتیکی که برای تدارک کنفرانس بین المللی درجلسه مشورتی بودابست اتخاذ شده است ابراز میدارد و پیوزهٔ تصمیم دائر به دعوت کلیه احزاب را، اعم از آنکه که در جلسه بودابست شرکت داشته یاحتی در آن شرکت نجسته‌اند، برای شرکت در امور تدارکی کنفرانس بر پایه تساوی کامل و انجام تدارکات جمعی با خرسندی تام مورد تأیید قرار میدهد.

۶- بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان دارد که تدارک و تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری برپایهٔ دستور مصوب، نه تنها زمینه بسیار مساعدی برای تحکیم همبستگی جنبش کمونیستی جهانی فراهم میسازد بلکه آنرا بمثابه گام مهمی در جهت اتحاد عمل کلیه نیرو های سوسیالیسم و دمو کراسی و گرد آوردن تمام نیرو های ضد امپریالیستی جهان برای مبارزه متفق در راه استقلال ملی صلح و ترقی اجتماعی بشمار میآورد.

دنباله از صفحه ۶

مردم ایران مبارزه میکنند

پیروز شوند و بیرحمی از عدهای خود برسند، در جریان تظاهرات دانشجویان، همه جا نیرو های پلیس و مأمورین سازمان امنیت مداخله کردند، آنها را مضروب نمودند، مورد توهین قرار دادند و عدهای را زندانی ساختند ولی همه جا دانشجویان دانشکده های مختلف از پشتیبانی دانشجویان سایر دانشکده ها و از پشتیبانی مردم وزحمتکشان برخوردار بودند. وقتیکه دانشسرای عالی در حال اعتصاب بود گروههای مختلف دانشجویان دانشگاه تهران

دنباله از صفحه ۱

شعار های اول ماه مه

از شهیدان و قهرمانان جنبش کارگری و دمو کراتیک ایران یاد کنید. روش فداکارانه آنها را سرمشق خویش قرار دهید.

⊗ رژیم موجود ایران علیرغم عوامفریبی های کارگری و برخی رفورمها و عقب‌نشینی های سطحی، از جهت ماهیت طبقاتی خود دشمن طبقه کارگر است و میخواهد اساس سرمایه داری و استثمار را در پیوند نزدیک با سرمایه‌داری جهانی حفظ و تحکیم کند. مبارزه باین رژیم و برای تحول ایران درجهت استقرار یک نظام ملی و دمو کراتیک وظیفه مقدس کارگران ایران است.

⊗ برای بدست آوردن حقوق حقه‌صنفی و آزادیهای سندیکائی خود متشکل شوید. بزند گی سندیکائی محتوی واقعی ببخشید. برای استقرار مجدد جشن اول ماه مه بعنوان جشن رسمی کارگران مبارزه کنید. از کلیه قوانین موجود که بسود کارگران باشد استفاده نمائید. برای بالا بردن سطح دستمزد متناسب با بالا رفتن سطح زندگی تلاش کنید. متحداً با بیکاران بر ضد بیکاری و برای اشتغال بیکاران مبارزه نمائید. سیاست تفرقه نیروهای کارگری را که رژیم موجود دنبال میکند عقیم گذارید و از حق خود دائر به ایجاد سندیکای واحد کارگری چه در مقیاس یک مؤسسه، چه در مقیاس محل یا سراسر کشور استفاده کنید.

⊗ علاوه بر مبارزه در راه حقوق صنفی، در مبارزهٔ سیاسی و اجتماعی نیز چنانکه در خورد نقش اجتماعی طبقه شاست همیشه پیشرو باشید. برای صلح، استقلال، دمو کراسی، ترقی صنعتی و کشاورزی و رفاه عمومی مبارزه کنید. بوزره مبارزه در راه آزادیها و حقوق دمو کراتیک مردم ایران را در مرکز توجه قرار دهید. وحدت خود را با دهقانان، پیشه وران، روشنفکران و دانشجویان مترقی و کلیه قشرها و نیروهای دیگر ضد امپریالیستی و دمو کراتیک جامعه تحکیم کنید.

⊗ اشکال صحیح مبارزه را در شرایط کنونی فرا گیرید. مبارزه مخفی و علنی را درآمیزید. در مبارزه، با ترکیب احتیاط و دقت از طرفی و جرأت و جسارت از طرف دیگر عمل کنید. براه تسلیم و اپورتونیسم نروید و در جاده ماجراجوئی و انقلابیگری کاذب نیز گام مگذارید.

ما اکنون درشرایط رژیم ترور اختناق، در شرایطی فوق‌العاده‌ناساعد مبارزه میکنیم. باید در این شرایط خود را از جهت ایدئولوژی و سازمانی کاملا آماده کرد. تردیدی نیست که کارگران ایران وظایف انقلابی خود را در این شرائط با شایستگی انجام خواهند داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

قابل توجه علاقمندان به «نشریات توده»

با بنقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که کتاب زیر را رعایت فرمایند:

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.

۲) خوانندگان طرف خارج از کشور معادل ریال بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.

۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.

۴) مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
سخه دنیا	۴۰ »
سخه مسائل بین المللی	۲۰ »
مانیفست	۴۰ »
سرمایه (هر جلد)	۴۰ »
سخنرانی لنین در کنگره دوم کمونیستهای خاور زمین	۲۰ »
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ »
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ »
اخرین دفاع روزیه	۲۰ »
یاد دانشهای فلسفی و اجتماعی	۴۰ »
کمونیات	۴۰ »
عان و دیگران	۱۰ »
یادنامه شهیدان	۲۰ »
رژیم ترور و اختناق	۱۰ »
خیانت او بوطن	۲۰ »
حق مال در تعیین سرنوشت خویش	۳۰ »

دنباله از صفحه ۱

و سایر دانشجویان بدانشسرا آمدند وپشتیبانی خود را اعلام نمودند. هنوز دانشجویان بهمه هدف های خود دست نیافته، ولی اتحاد و مبارزه مسلماً آنها را پیروز خواهد ساخت.

آنها بسنن دانشجویان مبارزی چون رضوی، بزرگ نیا و فتحجی که بخاطر دانشجویان در صحن دانشگاه تهران شهید شدند وفا دارند و روز ۱۶ آذر با پخش تراکتی که روی آن نوشته بودند، «۱۶ آذر، روز شهیدان دانشگاه، رضوی، بزرگ نیا، فتحجی» این وفاداری خود را ثابت نودند.

در تمام گوشه و کنار ایران مبارزهٔ مردم ادامه دارد و عوامفریبی های رژیم، بیرحمی و خشونت سازمان امنیت و بیعدالتی دادگاههای نظامی وحبسهای سنگین و تبعید بنقاط دور دست قادر نیست این شعله را خاموش سازد. افراد بیکار جو در صفوف مختلف مردم شیوه مبارزه درشرایط اختناق، شیوهٔ درآمیختن کار علنی و مخفی، شیوه استفاده از مبارزات قانونی را بیش از پیش فرا میگیرند و آنرا در زندگی روزانه بکار می بندند.

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5

خلق قهرمان ویتنام امپریالیسم ددمنش امریکا را از لحاظ نظامی و اخلاقی درهم شکسته است .

این خلق در آستانه پیروزی نهائی است . درود آتشین به دلاوران ویت نام !

دانشجو کیست ؟

طرح مسئله

مدتی است که در جنبش دانشجوئی و همه معافل علاقمند به جنبش دانشجوئی یعنی در پاره یك رشته مسائل دانشجوئی دو گیر شده است . ازجمله در باره ، ماهیت وخصلت دانشجو و سازمانهای دانشجوئی و نقش و وظائف آنها در اجتماع (البته بطور مشخص در اجتماع سرمایه داری) ، اهمیت مبارزه صنفی و سیاسی و چگونگی تلفیق آنها و نظائر آن . در این بحث مسائل و تعاریفی که بنظر میرسید روشن است زیر علامت سئوال و حتی مورد مخالفت قرار گرفته ، اختلاف بر سر مسائل نظری تشتت فکری را بهمراه آورده و این هر دو به پراکندگی در عمل منجر شده است . علت این وضع بطور عمده عبارت از وجود اختلاف در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و بروز بیماری چپ روی و بمبخت آمدن نسل جوانی است که هنوز آگاهی سیاسی و تجربه عملی کافی ندارد . از نتایج منفی که این وضع بار آورده که،بگذریم این بحث بخودی خودسالم ومثبت است ، زیرا در جریان آن اولا نظریات روشن میشود ، ثانیاً نظریات نادرست افشاء و طرد میگردد ، ثالثاً نظریات درست نیز دقیقتر میشود ، غنی تر میگردد و تکامل مییابد . و بالاخره وحدت فکری که پایه وحدت عملی است در سطح عالیتری بوجود میاید . بهمین جهت ما با اینکه در فرصتهای گوناگون نظر خود را در باره این مسائل گفته ایم بار دیگر در این بحث شرکت میکنیم . شایان ذکر است که ما در این بحث قصد پلمیك با کسی را نداریم و فقط نظر مستقل خود را بیان میکنیم . نخستین بحث ما از « دانشجو کیست ؟» آغاز میکنیم .

موقع طبقاتی دانشجو

کار دانشجو تحصیل است . یعنی دانشجو بدون اینکه در تولید اجتماعی شرکت داشته باشد از نتایج آن برخوردار است . زندگی مادی و مخارج تحصیل دانشجو را در اکثریت مطلق آنها خانواده او تأمین میکند . از تئوری همه کس میتواند دانشجو بشود . از فرزندان مالکان و سرمایه داران و خرده بورژوازی گرفته تا کارگران و دهقانان . نتیجه اینکه دانشجو طبقه ای نیست ، بلکه قشری است مختلط مرکب از وابستگان به طبقات گوناگون اجتماعی، لذا در میان آنها علاوه بر وابستگان به طبقات متحد وابستگان به طبقات متضاد اجتماعی نیز وجود دارد . در عمل فقط کسانی میتوانند دانشجو بشوند که بتوانند زندگی مادی و مخارج تحصیل خود را تأمین کنند و البته اینها بطور عمده خانواده های مالك و سرمایه دار و خرده بورژوا هستند . در حالیکه حتی در کشورهای سرمایه داری رشد یافته فقط درصد کوچکی از فرزندان زحمتکشان میتوانند به تحصیلات دانشگاهی بپردازند (مثلا در آلمان غربی ۵ در صد و در انگلستان ٤ درصد) روشن است که در کشورهای کم رشد تحصیل دانشگاهی برای فرزندان کارگران و دهقانان از نوادر است . نتیجه اینکه اولا دانشجو بطور عمده متعلق به خانواده های مرفه است . ثانیاً چون در بین خانواده های مرفه اکثریت را از نظر کمی خرده بورژوازی تشکیل میدهد ، دانشجویان وابسته به خرده بورژوازی نیز از نظر کمی در اکثریت اند . دانشجویان صرفنظر از وابستگی طبقاتی خود بعلت وضع همسانی خود بعنوان دانشجو دارای منافع

دنباله در صفحه ۲

گلوله نژادپرستان امریکائی

مارتین لوتر کینگ را از پای در آورد

دکترمارتین لوتر کینگ کشیش سیاه پوست امریکائی راهنمائیکه در بالکن عمارتی درشهر مفیس ظاهرشده بود گلوله ای که از عمارت مقابل شلیك شده از پای در آورد . کینگ پس از ساعتی در گذشت . قتل فداراه دکتر مارتین لوتر کینگ لیدر جنبش سیاهان امریکا و دارنده جایزه صلح نوبل در این کشور و بویژه در میان سیاهان امریکائی زلزله ای ایجاد کرد . خشم سیاه بار دیگر شعله زد ، در دهها شهر امریکا سیاهان به اعمال قدرت نژاد پرستان سفید پوست با اعمال قدرت پاسخ دادند . شیکاگو ، واشنگتن ، بوبورك و شهر های دیگر در آتش غوطه ور شد . دکتر کینگ از هواداران و مروجان شیوهٔ عدم اعمال زور بود ولی این روش او مانع از آن نشد که دشمنان حقوق سیاهان او را با اعمال زور از پای در آورند . جانس میکوشد با اظهارات عوام فریبانه از خشم سوزان سیاهان امریکا بکاهد ولی آنچه برای سیاهان لازم است حقوق واقعی بشری است نه عوامفریبی و تا زمانیکه این حقوق در عمل در زندگی بطور کاملا واقعی تحقق نیابد هیچ قدرتی نمیتواند سیاهان امریکائی را که بیدار شده و به نبرد بر ضد خاستانه به تسلیم وادارد وجدان بشری در طرف جنبش سیاهان امریکائی است . امپریالیسم امریکا با این جنایت تازه بار دیگر چهره کریه خود را نشان داد و یك گام دیگر لحظهٔ زوال قطعی خود را نزدیك تر کرد .

« شعله جنوب »

ارگان حزب توده ایران در خوزستان منتشر شد

شمارهٔ ۱٤ «شعلهٔ جنوب» منتشر شد . در این شماره کوشش که رفقای حزبی ما در بهبود مطالب و شکل روزنامه دارند کاملا محسوس است .

در این شماره پیامی از رفیق صابر محمد زاده درج شده است . چنانکه میدانیم رفقا صابر محمد زاده و آصف رزم دیده پس از هشت ماه بلا تکلیفی در دادگاه دریسته نظامی بترتیب به ۷ و ٦ سال زندان محکوم شدهاند . رفیق محمد زاده در پیام خود می نویسد : « به عضویت حزب پر افتخار تودهٔ ایران اعتراف کردهایم و قول میدهیم تا آخرین لحظه این نام را لکه دار نکنیم . »

سرمقاله این شماره به روز شهیدان اختصاص دارد . مقاله با این جملات خاتمه می یابد : « بخون شهیدان نهضت سادفانه و صمیمانه سوگند یاد می کنیم که پیگیر و خستگی ناپذیر راهشان را دنبال کنیم و همقسمشان را گرامی داریم . »

«شعله جنوب» زندگی کارگران و زحمتکشانی را در برخی مقالات و اخبار خود منعکس نموده و از مبارزات و مطالبات حقهٔ آنها پشتیبانی کرده است . در مقاله دیگر که به مبارزهٔ قهرمانانه مردم ویت نام اختصاص دارد روزنامه این نبرد دلاورانه را ستوده و از زحمتکشان ایران خواسته است که به مبارزه میهن پرستان فداکار ویت نام از هر باره کمك کنند .

در مقاله ای تحت عنوان «بطور بی گیر قوانین مبارزه و سازماندهی مخفی را رعایت کنیم !» شعله جنوب در باره یك مسئله قواعد مبارزه در شرایط تسلط رژیم ترور و اختناق سخن گفته است . شعله جنوب تصریح کرده که رزمندگان باید فن مبارزه مخفی را فرا گیرند و با بکار بردن دقیق آن ، مبارزهٔ ما و فعالیت بی وقفه سازمانهای حزبی را تأمین کنند .

ما به رفقائی که در شرایط تیره ترور و وحشت سازمان امنیت شعله پر فروغ مبارزه وتبلیغ و افشاء گری انقلابی را روشن نگاه میدارند درود میفرستیم و اطمینان داریم که شعله جنوب در پرتو مبارزات آتشین خود روز بروز قلوب آماده مردم ایران را روشن تر و گرمتر خواهد ساخت .

مـــردم ایـــران مبارزه میکنند

دستگاههای تبلیغاتی رژیم میخواهند ایران را بهشت و مردم ایران را غرق در خرسندی و خوشبختی معرفی کنند ولی واقعیت از این ادعا ها بسی دور است . مردم از زندگی روز مره خود ناخرسندند و برای حقوق خود ، علیرغم فشار و اختناق مبارزه میکنند . اینك صحنه هائی از مبارزات کارگران ، معلمین و دانشجویان ،

■ چند ماه پیش شرکت نفت عده ای از کارگران بالایشگاه آبادان را به تهران منتقل وازحقوق آنها ۲۰ درصد تحت این عنوان که به نقطه خوش آب و هوا منتقل شده اند کسر نمود . مبارزه پیگیر کارگران شرکت را وا داشت که میزان شش ماه حقوق بعنوان از دست دادن امتیازات بآنها بپردازند . فشار سازمان امنیت و خطر بیکاری کارگران را وادار میکند که باین تبعید اجباری تن در دهند ، شرکت نفت از ترس مقاومت جمعی کارگران آنها را یکا یك به دفتر احضار میکند و ورقه ای را بامضاء آنها میرساند مبنی بر اینکه با میل خود حاضر میشوند حقوق کمتری بگیرند و از خانه و زادگاه خود تبعید شوند .

■ رژیم فقط حقوق کارگران را کسر نمیکند اخیراً پیش مخارج جشنهای ۲۵ ساله و جشنهای تاجگذاری حقوق تاجیز کارگران کارمندان و فرهنگیان را کسر نمودند ، حق تأمل فرهنگیان را در اسفند ماه نپرداختند و گفتند بودجه نیست ، رتبه های عقب افتاده را نمیدهند ، درماههای گذشته معلمین در تهران و درشهرستانها موفق شدند یك رتبه عقب افتاده را با مبارزات پیگیر و متحد خود ، بگیرند ولی بقیه خواستهای آنها با آنکه با سر سختی در راه آن مبارزه کردند بر آورده نشد زیرا مخارج تاجگذاری را باید طوری پر کردند از اضافات میزنند ، رتبه ها را نمیدهند جریمه را زیادتر میکنند ، و حالا هم میخواهند از هر عابری که از محل خط کشی شده رد نشد پنجاه تومان بگیرند و جرائم رانندگی را ۱۰ برابر کنند ، بودجه دانشکده ها را کم کنند و تعهدات خود را در قبال دانشجویان انجام ندهند .

■ بهمین دلیل در ماههای آخر سال گذشته دانشجویان پلی تکنیك ، دانشجویان دندانپزشکی ، دارو سازی ، دانشسرای عالی در تهران ، برخی از دانشکده ها در شهرستانها دست بمبارزه زدند ، دانشجویان در تهران با پخش تراکت ، با ارائه خواستهای خود به مقامات مختلف ، با تشکیل میتینگ وتظاهرات و بالاخره با اعتصاب و حاضر نشدن سر کلاس تا اعتصاب گرسنگی توانستند بطور نسبی

دنباله در صفحه ۵